

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# تاریخ فلسفه

فصلنامه علمی پژوهشی انجمن علمی تاریخ فلسفه

سال نهم، شماره دوم، پاییز ۱۳۹۷ [پیاپی ۳۴]

مدیر مسئول: آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای  
سردبیر: دکتر حسین کلباسی اشتری  
مدیر اجرایی: مهدی سلطانی  
ویراستار فارسی: فاطمه محمد  
صاحب امتیاز: انجمن علمی تاریخ فلسفه  
ناشر: بنیاد حکمت اسلامی صدرا  
مترجم انگلیسی: دکتر رؤیا خویی  
ویراستار انگلیسی: دکتر علی نقی باقرشاهی  
اعضای هیئت تحریریه:

حمیدرضا آیت‌اللهی، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی  
عبدالرزاق حسامی‌فر، دانشیار فلسفه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی  
نصرالله حکمت، استاد فلسفه دانشگاه شهید بهشتی  
رضا داوری اردکانی، استاد فلسفه دانشگاه تهران  
محمد تقی راشد محصل، استاد فرهنگ و زبانهای باستانی دانشگاه تهران  
احد فرامرز قراملکی، استاد فلسفه دانشگاه تهران  
حسین کلباسی اشتری، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی  
سیدمصطفی محقق داماد، استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی  
فتح‌الله مجتبایی، استاد ادیان و عرفان دانشگاه تهران  
کریم مجتهدی، استاد فلسفه دانشگاه تهران

نشانی: تهران، بزرگراه رسالت، روبروی مصلاي بزرگ تهران، مجتمع امام خمینی(ره)، ساختمان شماره ۱۲.

صندوق پستی: ۶۹۱۹ - ۱۵۸۷۵ تلفن: پیگیری مقالات: ۸۸۱۵۳۲۲۱ اشتراک و فروش: ۸۸۱۵۳۵۹۴

مرکز تدوین: ۸۸۱۵۳۴۹۴ نمایر: ۸۸۴۹۳۸۰۳

www.hop.mullasadra.org Email: SIPRIn@mullasadra.org

چاپخانه: نقره آبی

شاپا: ۲۰۰۸-۹۵۸۹

براساس ابلاغیه شماره ۳/۱۸/۵۴۷۳۳ مورخ ۹۲/۴/۱۹ کمیسیون نشریات علمی کشور، فصلنامه تاریخ فلسفه دارای درجه علمی پژوهشی است. این فصلنامه در پایگاه‌های: ISC, Philosopher's Index و noormags نمایه میشود.

## راهنمای تدوین مقاله

۱. فصلنامه تاریخ فلسفه نخستین نشریه تاریخ فلسفه در ایران است و مقالاتی را منتشر خواهد کرد: به روش پژوهشی اصیل و بنیادی تألیف شده باشد و حاوی نظریه، نگرش انتقادی، تحلیل تطبیقی یا برداشتی بدیع باشد.
۲. مقالات باید در حوزه تاریخ فلسفه و علوم عقلی، مطالعات تطبیقی، ریشه‌شناسی مکاتب و آراء فلسفی، یا سایر موضوعات تخصصی تاریخ فلسفه باشد.
۳. فصلنامه تاریخ فلسفه از مقالات برگرفته از آثار پژوهشی و پایان‌نامه‌های تحصیلی، با رعایت استنادات و ضوابط علمی مقرر، استقبال میکند.
۴. مطالب منتشر شده در فصلنامه تاریخ فلسفه بیانگر نظر و عقیده نویسندگان است و از این بابت مسئولیتی متوجه نشریه نیست.
۵. مقالات برگردان از زبانهای غیر فارسی یا مقالاتی که در جایی دیگر منتشر شده باشند، یا همزمان به نشریه دیگری ارائه شده باشند، بطور کلی مورد بررسی قرار نخواهند گرفت.
۶. هیئت تحریریه فصلنامه در پذیرش، اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است. همچنین ارسال مقاله به این فصلنامه بمنزله واگذاری حق تجدید چاپ مقالات منتشر شده به فصلنامه نیز هست و فصلنامه حق دارد چنانچه لازم باشد، نسبت به تجدید چاپ این مقالات بزبان فارسی یا هر زبان دیگری اقدام نماید.
۷. نویسندگان محترم باید مقالات خود را به آدرس الکترونیکی siprin@mullasadra.org ارسال کنند یا لوح فشرده حاوی فایل مقاله را به‌همراه نسخه مکتوب مقاله ارائه دهند. لازم است همراه مقاله، نامه‌ی مبنی بر درخواست بررسی و انتشار مقاله که حاوی اطلاعات دقیق: رتبه علمی، محل فعالیت، نشانیهای تماس (آدرس، تلفن، تلفن همراه، نمابر، ایمیل) و مختصری از سابقه فعالیت پژوهشی مؤلف ارائه شود.
۸. مقالاتی که به آدرس الکترونیک فصلنامه ارسال میشوند، در بخش «subject» پست الکترونیکی، عبارت «مربوط به فصلنامه تاریخ فلسفه» ذکر گردد.
۹. تمامی مقالات باید دارای عنوان، چکیده و واژگان کلیدی (به دو زبان فارسی و انگلیسی)، فصلبندی مناسب، نتیجه‌گیری و فهرست منابع باشد.
۱۰. حجم چکیده مقالات حداکثر ۱۵۰ کلمه و اصل مقالات حداکثر ۶۰۰۰ کلمه و در محیط word تایپ شده باشد.
۱۱. مقالات دریافتی بهیچوجه مسترد نخواهد شد.
۱۲. فرایند ارزیابی مقالات دریافتی بشرح ذیل خواهد بود:  
ویراستار علمی ← دو نفر از اساتید متخصص درباره موضوع مقاله ← هیئت تحریریه ← سردبیر.  
بدیهی است مقالاتی که در هر یک از مراحل فوق بتأیید نرسد، با ملاحظه سردبیر، از دستور کار خارج خواهد شد.
۱۳. پیگیری نتیجه ارزیابی مقالات بر عهده مؤلف (مؤلفان) است.

### شیوه ارجاع دهی و ارائه مباحث فرعی تکمیلی:

- هرگونه مطلب توضیحی و تکمیلی که ارتباط مستقیمی با محور مقاله نداشته باشد، باید بصورت پی‌نوشت ارائه شود.
- ارجاعات در فصلنامه تاریخ فلسفه باید بصورت پی‌نوشت با ذکر «نام مؤلف، نام منبع مورد استفاده، شماره صفحه» ارائه شود.
- ذکر مشخصات کامل کتابشناسی منابع، در فهرست منابع ضروری است.
- منابع غیر فارسی به همان زبان اصلی باید قید شوند.



سخن سردبیر ..... ۵

هستی‌شناسی ریاضی افلاطون در تفاسیر اسلامی و غربی

محمد ساکت نالکیاشری، علی‌نقی باقرشاهی ..... ۷

فیلوپونوس و تطور اندیشه فلسفی وی

فرهاد اسدی، مریم سالم، سیدمحمد اسماعیل سید هاشمی ..... ۲۹

تأثیر حکیم سبزواری بر مکتب تهران، تداوم مکتب فلسفی اصفهان قاجاری

محمدجواد سامی، سعید رحیمیان ..... ۶۳

بررسی مبانی و مؤلفه‌های فلسفه تطبیقی در اندیشه ایزوتسو

قاسم پورحسن، حمیدرضا اسکندری دامنه ..... ۹۵

پیشینه‌های سهروردی در قول به اعتباریت وجود

محمود هدایت‌افزا، زینب بوستانی ..... ۱۲۵

نیک‌بختی و اندرنگری صورت زیبا در محاوره میهمانی (همگسارش) افلاطون

حمیدرضا محبوبی آرائی ..... ۱۴۷

مقایسه تطبیقی مفهوم مدینه آرمانی در آراء متفکران اسلامی (نمونه

موردی؛ آراء خواجه نصیرالدین طوسی و ابن‌سینا)

مهدی ترکشوند، علی خواجه نایینی ..... ۱۷۱





تلقی رایج چنین بوده است که «شرق‌شناسی» بمثابة رشته‌یی تحقیقاتی در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی دایر بوده و «شرق‌شناسان» نیز گروهی از استادان و پژوهشگرانی بوده و هستند که درباره تمدن و میراث فرهنگی مشرق زمین به امر آموزش و پژوهش اشتغال دارند. اما اگر این تلقی تا چند دهه پیش اعتباری داشت، اکنون بکلی دگرگون شده و ضمن نقد بسیاری از پیش‌فرضهای شرق‌شناسی، سخن از پایان شرق‌شناسی به گفتمانی غالب مبدل شده است. درباره مبادی، اصول و پیش‌فرضهای شرق‌شناسی و بویژه سرانجام آن در دوره معاصر نوشته‌های متعددی حتی به زبان فارسی انتشار یافته است و در اینجا مجالی برای پرداختن بدان ولو باجمال نیز وجود ندارد، لیکن به قدر اشاره، التفات به اشتباهات فاحش - و شاید جزمیت و مقاومت نابخردانه - برخی مورخان غربی فلسفه و متأثر از آنان در جاهای دیگر خالی از لطف نیست.

پرسش محوری نوشته حاضر این است که اکنون با گذشت چهارده قرن از تولد فلسفه و حکمت اسلامی برآمده از فرهنگ و تعلیمات وحیانی، استعمال واژه «فلسفه عربی» در گفتار و نوشته‌های برخی متخصصان غربی - و غرب‌زده - تاریخ فلسفه چه توجیهی دارد؟ آیا با وجود انبوهی از پژوهشهای تاریخی و فلسفی آنها به زبانهای مختلف، تکرار این اصطلاح مجعول و خالی از محتوا به چیزی جز جهالت یا لجاجت گوینده یا نویسنده آن میتواند دلالت داشته باشد؟ مجعول بودن این اصطلاح از آنروست که تمامی قراین و آثار مربوط به جریان حکمت و علوم عقلی در عالم اسلام هیچ قیدی جز اسلامیت را نمیپذیرد و حتی اگر به حیث زبانی و ادبی آثار فلسفی در این سنت استناد کنیم، حجم بزرگی از این آثار نه به زبان عربی بلکه به زبان فارسی به نگارش درآمده است. اگر این گروه از نویسندگان برای توجیه کاربرد این واژه یعنی «فلسفه عربی»، وجود چند چهره فلسفی را در

۵



مناطق عرب‌زبان مورد استناد قرار دهند، روشن است که در مقام مقایسه، این استناد نیز هم بلحاظ کمی و هم بلحاظ کیفی فاقد اعتبار است. نام معدود کسانی چون ابواسحاق کندی و ابن‌رشد در مقابل شمار کثیری از حکمای طراز نخست این سنت نظیر فارابی، ابوعلی مسکویه، ابن‌سینا، ابوحیان توحیدی، ابوالعباس لوکری، ابوسلیمان سجستانی، شهاب‌الدین سهروردی، خواجه نصیرالدین طوسی، میرداماد، میرفندرسکی، ملاصدرا و دهها تن در میانه آنها به انضمام چهره‌های نامدار و حتی کمتر شناخته شده دو مکتب شیراز و اصفهان اساساً قابل‌مقایسه و قابل رقابت نیست. این معنا نه تنها در لسان و نوشته گروه کثیری از اسلام‌شناسان و مستشرقان قدیم و جدید ظاهر شده است که حتی بدست آنان برخی از وجوه و زوایای تاریک این سنت پر بار و زاینده به دیگران شناسانده شده است. نمونه بارز آن را باید در کوششهای اسلام‌شناس فقید معاصر هانری کربن ملاحظه کرد که تمامی اهتمام خویش را با انصراف از مغرب وجود، مصروف کشف مشرق وجود در آثار مشرقیان یعنی حکمای ایرانی و اسلامی ساخته و این تنها نمونه‌ی است از فهرست بلند بالای پژوهشهای مستشرقان در قالب دانشنامه‌ها و تک‌نگارهایی که صدالبته خالی از برخی خطاهای تاریخی و مفهومی هم نیست. با این اوصاف اصرار برخی نویسندگان و فرهنگ‌نویسان معاصر در استعمال واژهٔ مجعول پیش‌گفته چه وجهی میتواند داشته باشد جز جهالت یا تجاهل نسبت به واقعیت‌های محرز تاریخی و یا گرفتاری آنان در جزئیات و پیشفرضهای نادرست شرق‌شناسی و یا دخالت اغراض سیاسی و یا قیود ملی‌گرایانه و تعصبات کور قومی نظیر آن نوع دعاوی که در نوشته‌های مؤلف نقد عقل‌عربی پدیدار گشته است؟! که اثبات سست بودن آن دعاوی را تنی چند از صاحب‌نظران کشورمان بر عهده گرفته‌اند. شگفت آنکه انتشار کتابهایی با این عنوان یا عنوانین مشابه را ناشرینی برعهده گرفته یا میگیرند که از اسم و رسمی در محافل علمی دنیا برخوردارند. شاید یادآوری این پرسش نزد پژوهشگران این مرز و بوم، انگیزه‌ی را برای خوانش مجدد سیر تاریخی حکمت در عالم اسلام متمایز از مشهورات شرق‌شناسی فراهم سازد.

سردبیر

